

## بررسی تاثیر شیوه های فرزند پروری با رشد اجتماعی، پرخاشگری و شادکامی

بهنام رازقی<sup>۱</sup>، نجمه پرنیان<sup>۲</sup>، سعیده میرشکاری<sup>۳</sup>، مریم میرشکاری<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد مرودشت. فارس ایران.

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد یاسوج. ایران.

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت. فارس ایران.

<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد مرودشت. فارس ایران.

نام نویسنده مسئول:

بهنام رازقی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر شیوه های فرزند پروری با رشد اجتماعی، پرخاشگری و شادکامی می باشد. روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی- همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از نظر زمان مقطعی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش آموزان و والدین مقطع متوسطه شهرستان لارستان استان فارس است که تعداد ۲۷۳۷ نفر بودند که جامعه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه گیری خوشه ای تعداد ۲۳۷ پرسشنامه توزیع شد؛ که پرسشنامه سبک فرزند پروری به والدین دانش آموزان داده شده و پرخاشگری و شادکامی و رشد اجتماعی به بین دانش آموزان توزیع شد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده گردید. نتایج نشان داد سبک استبدادی با پرخاشگری رابطه مستقیم و با شادکامی و رشد اجتماعی رابطه معکوس دارد. سبک قاطع با رشد اجتماعی و شادکامی رابطه مثبت و با پرخاشگری معکوس دارد. سبک سهل گیرانه با رشد اجتماعی و شادکامی رابطه مثبت دارد.

**واژگان کلیدی:** فرزند پروری؛ رشد اجتماعی؛ پرخاشگری؛ شادکامی.

## مقدمه

پژوهشگران حوزه خانواده، فرزندپروری را یک فرایند فکری و عملی والدین می‌داند و معتقد است که زنجیره تعامل اعضای خانواده و به خصوص تعامل والدین با فرزندان توسط قواعد نانوشته‌ای تعیین می‌شوند، به طوری که با شناسایی این قواعد چگونگی روابط درونی آن‌ها نیز مشخص خواهد شد. این قواعد معمولاً کارکرد واحد نظام دوتایی والد با فرزندان را در قالب یک واحد مشخص تنظیم می‌کنند و به ثبات کارکرد و به‌ویژه عملکرد مطلوب آن کمک می‌رساند. همچنین قواعد والدین غالباً بیانگر ارزش‌های والدین است، به طوری که والدین نقش‌های خود را به‌عنوان والد و نیز سبک‌ها و الگوهای تعاملی خود را با این ارزش‌ها هماهنگ می‌سازند (تایلر و همکاران،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲) و فرزندپروری ناکارآمد می‌تواند با رفتارهای تضاد ورزانه و تشدید شونده کودکان تعامل داشته باشد و به ایجاد چرخه‌های قهری میان والدین و کودک بیانجامد و بدین ترتیب به عنوان یکی از عوامل سبب شناختی مهم در گسترش و تداوم رفتارهای پرخاشگرانه کودکان خردسال عمل نمایند (رینالدی و هوی،<sup>۲</sup> ۲۰۱۲). رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم غیبت طولانی مدت یکی از والدین، وجود جو نامساعد در خانواده، پرخاشگر بودن پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی‌عدالتی در مورد نوجوان، تحقیر وی و احساس ناامنی، دخالت بیش از حد در کار وی و رفتار تهدیدآمیز از علل روانی اجتماعی در بروز پرخاشگری نوجوانان است (صافی و صافی،<sup>۳</sup> ۱۳۹۶). لذا یک خانواده سالم و پویا می‌تواند با ایجاد روابط گرم و صمیمی و استفاده از شیوه‌های فرزندپروری مناسب به نوجوان خود کمک کند تا از هر گونه فشار روانی، خشونت و پرخاشگری به دور باشد.

رفتار اجتماعی پایه و اساس زندگی فرد را تشکیل می‌دهد و رشد اجتماعی نیز سبب رشد عقلانی فرد می‌شود. منظور از رشد اجتماعی، تکامل فرد در روابط اجتماعی است به طوری که بتواند با افراد جامعه‌ای هماهنگ و سازگار باشد. کودکانی که با رفتار اجتماعی ضعیف وراد مدرسه می‌شوند، با مشکلاتی مثل طرد هم‌تاهای، مشکلات رفتاری و سطح پایین موفقیت تحصیلی روبه‌رو می‌شوند (سلیمانی،<sup>۴</sup> ۱۳۹۰). گارتستین، پونتام روبرت (۲۰۱۲) معتقدند رشد اجتماعی آن بخش از رشد همه جانبه کودک است که به وسیله افراد دیگر، محیط و نهادهای اطراف کودک تأثیر می‌پذیرد، وجود شرایط مناسب محیطی، خانوادگی و اجتماعی در طی سال‌های اولیه به سزایی در جلوگیری از مشکلات جسمی و روانی دارد، به طوری که محققان به این امر مهم دست یافته‌اند که سال‌های اولیه در شکل‌گیری هوش، شخصیت و رفتار اجتماعی سال‌های حساسی هستند (گارتستین و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۱۲). یکی از بحث‌هایی که در حوزه‌ی شخصیت و روانشناسی سلامت، اهمیت دارد، موضوع شادکامی است. به باور برخی از پژوهشگران، شادکامی سه جزء دارد: هیجان مثبت، رضایت از زندگی و نبود هیجان‌های منفی همچون افسردگی و اضطراب. این پژوهشگران دریافتند که روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و زندگی، از اجزای شادکامی هستند. افزون بر این بیشتر بررسی‌ها نشان می‌دهند که شادکامی یک ویژگی شخصی است نیز در بسیاری از پژوهش‌ها و از جمله پژوهش آرگیل ولو<sup>۴</sup> (۱۹۹۸). فرانسس و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۹۸)، شادکامی را با (برون‌گردی ثبات) در نظریه آیزنگ معادل دانسته‌اند. از سوی دیگر چون دین الهی به حقیقت انسان و نیازهای او توجه دارد و برنامه همه جانبه را برای زندگی وی ارائه می‌دهد، پای بندی به ارزش‌ها آموزه‌های دینی که مبتنی بر ویژگی‌ها و نیازهای فطری انسان است تأمین‌کننده آرامش، سلامت، سلامت روان، بهزیستی و شادکامی دین داران خواهد بود.

<sup>1</sup> Taylor<sup>2</sup> Rinaldi, C.M. & Howe<sup>3</sup> Gartstein<sup>4</sup> Argyle, M. lo<sup>5</sup> Francis

## مبانی نظری

### فرزند پروری

اصطلاح فرزند پروری از ریشه پریو<sup>۶</sup> به معنی (زندگی بخش) گرفته شده است. منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند (برک، ۱۳۸۷). مایز و پیتت<sup>۷</sup> (۱۹۷۷) سبک‌های فرزندپروری را این‌گونه تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای از رفتارها که تعیین کننده ارتباطات متقابل والد-فرزند در موقعیت‌های متفاوت و گسترده‌ای است و این گونه فرض می‌شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می‌گردد. بامریند<sup>۸</sup> (۱۹۹۱) از سبک‌های فرزندپروری به عنوان واسطه‌ی بین متغیرهای هنجاری آن‌ها و جامعه‌پذیری کودکانشان عمل می‌کند. سبک‌های فرزندپروری هم دارای نقش حمایتی و هم غیرحمایتی هستند، که البته پیامد بکارگیری هر یک از آن‌ها بر تحول کودک متفاوت است. نتایج بدست آمده از برخی پژوهش‌ها رابطه سبک‌های فرزندپروری با شایستگی‌های اجتماعی کودکان را نشان می‌دهد (بامریند ۱۹۹۱؛ دکوویچ چانز و راتل<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ لامبرنو همکاران<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۱؛ به نقل از خوئینژاد، ۱۳۸۶). در سه دهه اول قرن نوزدهم میلادی، روش‌های فرزندپروری تا حدود زیادی خشن و خشک بودند و به والدین توصیه می‌شد تا فرزندان خود را در آغوش نگیرند و او را لوس نکنند.

در سال ۱۹۱۴ به مادران توصیه می‌شد نباید به محض اینکه فرزندشان گریه کرد، به او غذا دهند و یا با او بازی کنند، زیرا با این کارها کودک لوس می‌شود. این روش خشک تا حدودی زیر نفوذ مکتب رفتارگرایی بود و هدف آن ایجاد عادت خوب و خاموش کردن عادت بد بود. این دیدگاه عینی کنترل شده و غیرعاطفی در زمینه فرزندپروری به شکل اغراق‌آمیزی درنقل قول زیراز جان واستون، بنیانگذار مکتب رفتارگرایی به خوبی نمایان است: برای تربیت کودک شیوه معقولی وجود دارد، با بچه طوری رفتار کنید که گویی بزرگسالی است کم سن و سال. با او به شیوه معینی و با استواری ملاحظت‌آمیز رفتار کنید، هرگز او را در آغوش نکشید و روی زانوی خود نشانید (رئیس، ۱۳۹۱). در دهه ۱۹۴۰، روند شیوه‌های فرزندپروری در جهت سهل‌گیری و انعطاف‌پذیری بیشتر دگرگون شد. در این دهه نظریه‌های فرزندپروری زیر نفوذ مکتب روانکاوی قرار گرفت، مکتبی که در آن امنیت عاطفی و زبان‌های ناشی از کنترل شدید تکانه‌های طبیعی تأکید می‌شد. تحت راهنمایی‌های بنیامین اسپاک، به والدین توصیه می‌شد، از شم طبیعی خود پیروی کنند و از برنامه‌های انعطاف‌پذیری که هم با نیازهای خود آن‌ها و هم با نیازهای کودک سازگاری داشته باشد، استفاده کنند (کارازه، ۱۳۹۴). هدف تمامی شیوه‌های فرزندپروری کودک آماده‌سازی وی برای ایفای نقشی است، که گروه و حوزه فرهنگی برعهده‌اش می‌گذارند. کودکان چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را پی گیرند. والدین و آموزگاران، واسطه‌ی انتقال آرمان‌های فرهنگی به اجتماع هستند. آرمان‌های فرهنگی هر اجتماع تعیین کننده نوع و چگونگی آموزش‌هایی هستند، که کودکان باید فرا گیرند. از آنجا که بین فرهنگ‌های مختلف، از کودک آرمانی، مفاهیم متفاوتی وجود دارد و در یک جامعه نیز الگوها و آرمان‌های متفاوتی موجود است، والدین نیز بر اساس الگوها و آرمان‌های فرهنگی خود و با توجه به انتظارات جامعه از فرزندان، کودکان خود را به شیوه‌های گوناگون پرورش می‌دهند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲). در الگوهای نظری جدید، از سبک‌های فرزندپروری، به ابعاد و مؤلفه‌های این سبک‌ها توجهی ویژه‌ای شده است. برطبق پژوهش‌های انجام شده، سبک فرزندپروری اقتدار منش شامل ابعاد، حمایت‌گری، خود تنظیمی و خودمختاری می‌باشد. سبک فرزندپروری دیکتاتوری نیز شامل سه بعد اجبار فیزیکی، خصومت کلامی، غیرتوضیحی-تنبیهی است و در نهایت سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، شامل یک بعد مهم به نام بی‌توجهی است (خوئینژاد و همکاران، ۱۳۸۶).

<sup>6</sup> pario

<sup>7</sup> Mize, J. & pettit

<sup>8</sup> Baumrind

<sup>9</sup> Duchesne, S. & Ratelle

<sup>10</sup> Lamborn

## رشد اجتماعی و عوامل موثر بر رشد اجتماعی فرزندان

رشد اجتماعی به مجموعه متوازی از مهارت های اجتماعی و رفتارهای انطباقی مربوط است که فرد را قادر می سازد با افراد دیگر روابط متقابل مطلوب داشته باشد، واکنش های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامدهای منفی دارند، اجتناب ورزد. وجود مهارت هایی چون همکاری، مسئولیت پذیری، همدلی، خویشتن داری و خود اتکایی از مولفه های رشد اجتماعی به شمار می ورنند (نظیری، ۱۳۹۵).

رشد اجتماعی هم چون رشد جسمانی کمیتی به هم پیوسته است که به مرور کمال می یابد. برای بیشتر افراد، رشد اجتماعی به تدریج در طول زندگی و به طور طبیعی در برخورد با تجربه های گوناگون حاصل می شود که به اصطلاح کمال یا پختگی نامیده می شود (نظیری، ۱۳۹۵).

عوامل متعددی بر رشد اجتماعی کودک و نوجوان موثرند که به دو دسته عوامل خارج از خانواده و عوامل داخل خانواده تقسیم می شوند:

### الف) عوامل موثر بر رشد اجتماعی فرزندان در خارج از خانواده

۱. مدرسه ۲. اندازه مدرسه ۳. خصوصیات معلم ۴. همسالان ۵. جامعه ۶. تلویزیون و رسانه های جمعی  
مدرسه یک مرکز اجتماعی مهم و شهری در داخل شهر است که کودک ساعت ها در آن به سر می برد و اطلاعات اجتماعی به دست می آورد که او را در سازگاری با جامعه بزرگتر یاری می دهد. مدرسه بهترین مرکز برای فعالیت های گوناگون اجتماعی است و می تواند با تشکیل اجتماعات، انجمن ها، گردش علمی و امثال آن ها به تربیت اجتماعی کودک کمک کند (منشی طوسی، ۱۳۹۳)

### ب) عوامل موثر بر رشد اجتماعی فرزند در داخل خانواده

در سال های نوپایی فرزندان، والدین عوامل اصلی اجتماعی شدن آن ها محسوب می شوند. آنها با ابزار محبت، ایجاد محدودیت و آزادی برای کودک و سرکوبی رفتار غیرقابل پذیرش او، سرمشق کودک قرار می گیرند. لذا فرایند اجتماعی شدن عملی می شود (طالبی مرند، ۱۳۹۱)

۱- روابط و تعامل ها در خانواده ۲- روابط والدین با فرزندان ۳- هم چشمی میان خواهران و برادران ۴- برادران و خواهران ۵- حسادت خواهران و برادران ۶- سلسله مراتب خواهران و برادران ۷- وضع اجتماعی و اقتصادی

## پرخاشگری

پرخاشگری یکی از مشکلات مهم دوره نوجوانی است که می تواند به صورت ناسزاگویی، تهدید کلامی و داد و فریاد، رقابت بین فردی و طرد و منزوی کردن دیگران نشان داده شود (شاهیم، ۲۰۰۷<sup>۱۱</sup>). کینه توزی و پرخاشگری ناشی از خشم یکی از دلایل مهم ارجاع کودکان و نوجوانان برای مشاوره و روان درمانی است (پلرگینی، ۲۰۱۳<sup>۱۲</sup>؛ سوخودولسکی و همکاران، ۲۰۱۴<sup>۱۳</sup>). پژوهش ها نشان داده اند که پرخاشگری، از شاخص های مهم پاره های از اختلالات روانی مانند اختلال سلوک (CD) و اختلال فزون کنشی (ADHD) و اختلال شخصیت ضد اجتماعی (Anti social personality disorder) به شمار می آید. پژوهش های دیگر نشان داده اند که رفتارهای پرخاشگرانه با بیماری های جسمانی مانند بیماری قلب و عروق و سردرد تنشی نیز در ارتباط است (ماترزو و همکاران، ۲۰۱۰<sup>۱۴</sup>؛ فوساتی و همکاران، ۲۰۱۴<sup>۱۵</sup>).

صاحب نظران حوزه علوم اجتماعی در مورد پرخاشگری به دو دسته تقسیم شده اند: گروهی که معتقدند پرخاشگری ذاتی و فطری است و گروهی که آن را حاصل عوامل اجتماعی و در نتیجه آموختنی می دانند.

<sup>11</sup> Shahim

<sup>12</sup> Pellegrini

<sup>13</sup> Sukhodolsky

<sup>14</sup> Materazzo

<sup>15</sup> Fossati

تحقیقات لئونارد برکوویتز در مورد پرخاشگری نشان داده است که حتی مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری می‌تواند در شخص مشاهده کننده حالت پرخاشگری را برانگیزد و نیز در مورد فرضیه ناکامی- پرخاشگری، محققان پس از گزارش نتایج گروه بیل کوشیدند این آزمایش را دنبال کنند، اما بیشتر آزمایش‌ها نشان داد که پرخاشگری نتیجه حتمی و اصلی ناکامی نیست. در این مورد به تحقیقات بارکر دمبو لوین و سی یرز می‌توان اشاره کرد. همچنین، در نقاطی از جهان و در بعضی فرهنگ‌ها اصولاً چیزی به نام پرخاشگری وجود ندارد؛ مثلاً به گفته اتوکلاين برگ در یکی از قبایل وقتی دو نفر با هم اختلاف یا نزاعی دارند، به جای جنگ و دعوا مراسمی انجام می‌دهند که به آن پتلاچ گفته می‌شود؛ بدین صورت که هر یک از آن‌ها به خانه خود می‌روند و اموال خود را آورده، در بین افراد قبیله تقسیم می‌کنند (عمومی و کردی، ۱۳۹۴). همچنین، در قبیله دیگری موارد اختلاف را به شعرگویی در حضور جمع و هجو کردن یکدیگر مطرح می‌کنند و قبیله داوری می‌کند که در این مشاعره چه کسی برنده شده است و برنده مشاعره طبعاً برنده دعوا شناخته می‌شود؛ به عبارت دیگر، پرخاشگری در این موارد لااقل با ملاک همگانی بودن مطابقت نمی‌کند (تحقیقی، ۱۳۹۵).

## شادکامی

شادکامی از مهمترین نیازهای روانی بشر است که تأثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان دارد و همه انسان‌ها شادکامی را خود و برای افراد مورد علاقه‌شان می‌خواهند. از عهد باستان تا کنون به احساسات مثبت انسان از جمله شادکامی توجه شده است (جمالی و همکاران، ۱۳۹۰). افلاطون در کتاب جمهوری به سه عنصر در وجود انسان اشاره می‌کند که عبارتند از: قوه عقل یا استدلال، احساسات و امیال. وی شادکامی را حالتی از انسان می‌داند که بین این سه عنصر، تعادل و هماهنگی وجود داشته باشد. ارسطو معتقد است دستکم سه نوع شادمانی وجود دارد؛ در پایین‌ترین سطح، شادی را همان لذت می‌داند؛ در سطح بالاتر شادی همان موفقیت و کامیابی است و نوع سوم شادی از نظر ارسطو، شادی ناشی از معنویت است. وی معتقد است شادکامی حقیقی از ارضای امیال حاصل نمی‌شود، بلکه از انجام چیزی که از لحاظ اخلاقی ارزش انجام دادن دارد، یعنی از تجلی فضیلت حاصل می‌شود. به اعتقاد جرمی بنتام شادکامی غیر قابل تشخیص از لذت‌های جسمانی بوده، عبارت است از فعالیت‌هایی که افزایش آن‌ها موجب لذت و کاهش درد و ناراحتی‌ها می‌شود. فارابی معتقد است سعادت دنیوی و اخروی انسان با تحقق چهار نوع فضیلت به دست می‌آید که عبارتند از: فضیلت‌های نظری، فضیلت‌های فکری، فضیلت‌های اخلاقی و صناعات عملی. وی راه رسیدن به سعادت را داشتن ملکات اخلاقی دانسته و خلق نیکو را اعتدال یا حد وسط افراط و تفریط می‌داند (فارابی، ۱۴۱۳).

برخی از پژوهشگران، شادکامی را حالت روانی مثبتی می‌دانند که با سطح بالای رضامندی کلی از زندگی، عاطفه مثبت و سطح پایین عاطفه منفی مشخص می‌شود. سلیگمن، رشید و پارک، مفهوم شادکامی را در سه مؤلفه جای داده است: الف) هیجان‌های مثبت (زندگی بانشاط)؛ ب) تعهد (زندگی درگیرانه یا زندگی خوب)؛ ج) معناداری (زندگی با معنا). سلیگمن معتقد است بر اساس پژوهش‌های چند سال اخیر، ثابت شده است شادکامی عامل پدیدآورنده منافع به مراتب بیشتر از صرف احساس خوبی داشتن است؛ افراد شادکام، سالمتر و بسیار موفق‌ترند و درگیری و تعهد اجتماعی بیشتری دارند (قصاب پور و حسین زاده، ۱۳۹۴).

یکی از پرسش‌های اساسی درباره شادکامی این است که آیا شادکامی حالتی است که به رویدادها و موقعیت‌های زندگی مربوط می‌شود یا به شخصیت فرد ارتباط دارد و یا اینکه نتیجه تعامل میان این دو است؟ بیشتر بررسی‌ها نشان می‌دهند که شادکامی یک ویژگی شخصیتی است. بررسی‌های شخصیتی در مورد شادکامی نشان می‌دهد که افراد شاد و ناشاد، نیمرخ‌های شخصیتی متمایز دارند. در فرهنگ‌های غربی، افراد شاد برونگرا و خوشبین هستند و از عزت نفس بالا و کنترل درونی برخوردارند. در مقابل، افراد ناشاد به سطوح بالایی از روان‌رنجوری گرایش دارند. همبستگی برونگرایی با شادکامی یا عاطفی بودن مثبت حدود ۷۰/۰ است اما همبستگی روان‌رنجورگرایی با عاطفی بودن منفی بیش از ۹/۰ است (میرخان و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهشی که توسط مرادی، جعفری و عابدی (۱۳۸۴) در مورد «شادمانی و شخصیت» انجام شد، به ارتباط معنادار شادکامی با ابعاد شناختی، اجتماعی، هیجانی و جسمانی شخصیت اشاره شده است. در این پژوهش، کنترل درونی، خوشبینی و تفکر مثبت، هدفمندی، خلاقیت، ثبات هیجانی، عزت نفس، خودکارآمدی، برونگرایی، نوع دوستی، توافق اجتماعی، وظیفه‌شناسی، روابط مثبت با دیگران

و سلامت سیستم ایمنی بدن به مثابه مؤلفه‌های شخصیتی مؤثر در شادکامی یاد شده است. این پژوهشگران بر این باورند که بین شادکامی و مؤلفه‌های یادشده، رابطه‌ی علی و دوسویه برقرار است. برخی از پژوهشگران نیز شادکامی را متغیری شخصیتی می‌دانند که پایه‌ای زیست‌شناختی دارد. هیجان مثبت، رضایت از زندگی، نبود هیجان‌های منفی، روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست داشتن دیگران و طبیعت نیز شروط لازم برای رسیدن به شادکامی هستند. لوبومیرسکی و همکاران (۲۰۱۵) الگوی یکپارچه‌ای از شادکامی ارائه و عوامل شادکامی را از سه جنبه بررسی کرده‌اند: عوامل ژنتیکی (نقطه تنظیم)، شرایط محیطی و صفات شخصیتی (فعالیت ارادی). بر اساس این پژوهش، عوامل ژنتیکی ۵۰٪ صفات شخصیتی ۴۰٪ و عوامل محیطی ۱۰٪ واریانس شادکامی را پیشبینی می‌کنند. لوبومیرسکی و همکاران<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۵) معتقدند عوامل ژنتیکی، در طول زمان ثابت و پایدار و در برابر نفوذ و کنترل مقاومند و تغییر در صفات شخصیتی به مراتب بیشتر از عوامل محیطی ظرفیت شادکامی را افزایش می‌دهد.

### پیشینه تحقیق

کیانی و والازادی (۱۳۹۸) به بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با رشد اجتماعی کودکان مدارس شهرستان لردگان پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بین سه سبک فرزند پروری (مستبدانه، سهل گیرانه، آزاد منشانه) فقط سبک فرزند پروری آزاد منشانه با رشد اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. به این معنا که انتخاب سبک فرزند پروری آزاد منشانه از سوی والدین به افزایش رشد اجتماعی کودکان منجر می‌شود.

میرزمانی و طاهرزاده (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر آموزش شیوه‌های فرزند پروری بر پرخاشگری و خودکارآمدی نوجوانان دختر مقطع متوسطه اول پرداختند. نتایج به دست آمده از روش آماری کوواریانس نشان داد، شیوه‌های فرزند پروری بر پرخاشگری و خودکارآمدی نوجوانان دختر تاثیر معنی داری داشت ( $p < 0/05$ ) در نتیجه با توجه به تاثیر شیوه‌های فرزند پروری بر پرخاشگری و خودکارآمدی که اهمیت ویژه‌ای بر دانش آموزان دختر دارد، آموزش این شیوه‌ها برای والدین در سطوح مختلف و جنسیت (پسر دختر) توصیه می‌شود.

نجفی و ملکپور (۱۳۹۶) به بررسی رابطه اختلال رفتاری پرخاشگری با رابطه مادر - کودک و شیوه‌های فرزند پروری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که پرخاشگری با شیوه‌های فرزند پروری سهل گیرانه و استبدادی رابطه مثبت داد و در همین حال با شیوه فرزند پروری قاطع رابطه منفی و عکس داشت. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که پرخاشگری با رابطه مادر و کودک رابطه معناداری دارد به این صورت که مادرانی که در رابطه خود با کودکان در مولفه پذیرش فرزند بالاتری کسب می‌کنند دارای فرزندان با پرخاشگری کمتر هستند و برعکس زمانی که رابطه مادر کودک به سبک بیش حمایتگری و سهل گیری باشد فرزندان دارای پرخاشگری بیشتر نیز هستند.

برفر و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری فرزندان آن‌ها در دانش آموزان پسر شهر یاسوج در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ پرداختند نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه‌ی والدین با پرخاشگری دانش آموزان پسر رابطه معکوس معنی دار وجود دارد. بین شیوه فرزند پروری مستبدانه والدین با پرخاشگری دانش آموزان پسر رابطه مثبت معنی دار وجود دارد و بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه والدین با پرخاشگری دانش آموزان رابطه معنی دار وجود ندارد. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از برنامه‌ی SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

نسلپهان و مروه<sup>۱۷</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی که مروه با عنوان سبک‌های فرزند پروری والدین بعنوان پیشگویی کننده رفتارهای اجتماعی کودکان پیش دبستان بر روی ۲۷۶ کودک در ترکیه انجام داد به این نتیجه رسید که والدین با سبک تنبیهی و ملایم بهترین سبک‌ها برای پیشگویی رفتارهای اجتماعی مثبت یا منفی کودکان هستند.

<sup>16</sup> Lyubomirsky

<sup>17</sup> Neslihan Saltalı, Merve

مونیکا و کورانچی<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۳) در مطالعه ای بر روی ۴۸۰ کودک مقطع ابتدایی در مورد ارتباط سبک های فرزند پروری و رشد اجتماعی بر اساس مصاحبه ساختار یافته و پرسشنامه اطلاعات صورت گرفت، نتایج نشان داد که سبک های فرزندپروری تاثیر مثبت و قابل توجهی در رشد اجتماعی کودکان دارد.

## روش تحقیق

با توجه به اینکه این پژوهش درصد بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده با تاب اوری است، روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی است و از نظر هدف کاربردی و از نظر زمان مقطعی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش آموزان و والدین مقطع متوسطه شهرستان لارستان استان فارس است که تعداد ۲۷۳۷ نفر بودند که جامعه پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه گیری خوشه ای تعداد ۲۳۷ پرسشنامه توزیع شد؛ که پرسشنامه سبک فرزند پروری به والدین دانش آموزان داده شده و پرخاشگری و شادکامی و رشد اجتماعی به بین دانش آموزان توزیع شد. بدین صورت که ابتدا تعداد مدارس را لیست کردیم سپس مدارس در مقطع دبیرستان را لیست کردیم که دارای ۱۴ مدرسه بود که در پایه دهم (اول متوسطه) ۱۱۲۶ دانش آموز، پایه سوم متوسطه ۹۵۹ دانش آموز و پایه پیش دانشگاهی ۶۵۲ دانش آموز داشت. سپس از لیست مدارس به صورت تصادفی ۴ مدرسه را انتخاب کردیم و سپس از درون هر مدرسه ۳ کلاس را انتخاب کردیم در این پژوهش جهت جمع اوری اطلاعات از ۳ پرسشنامه استفاده شده است.

الف- پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند<sup>۱۹</sup> (۱۹۷۱) این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ ماده به آن به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شوند. روایی و پایایی این پرسشنامه تأیید شده است بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش (افتراقی) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ( $r=0/38$ ) و اقتدار منطقی ( $r=0/48$ ) دارد؛ و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ( $r=0/7$ ) (مهر افروز، ۱۳۷۸). ب- پرسشنامه رشد اجتماعی: پرسشنامه حاضر محقق ساخته است و دارای ۲۰ سوال و ابعاد خودیاری عمومی، اجتماعی بودن، جابجایی و رفت و آمد، مسائل تجربی، مسئولیت پذیری را می سنجد. ج- پرسشنامه شادکامی: از پرسشنامه شادکامی اکسفورد استفاده شد که این پرسشنامه در سال ۱۹۸۹ توسط آرجیل، مارتین و کراسلند ساخته شد. پرسشنامه شادکامی اکسفورد (OHI) دارای ۲۹ گویه است که هر گویه شامل ۴ عبارت است که عبارت اول نمره صفر، عبارت دوم نمره ۱، عبارت سوم نمره ۲ و عبارت چهارم نمره ۳ می گیرد. در نهایت فرد نمره ای بین ۰ تا ۸۷ به دست می آورد که نمره بالاتر نشانه شادکامی بیشتر است. میانگین نمرات آزمودنی های ایرانی در فهرست شادکامی اکسفورد (۴۲/۰۷) با یافته های پژوهش آرجیل ( $m=35/6$ ) متفاوت بود. یافته های پژوهش نشان دادند که فهرست شادکامی اکسفورد برای اندازه گیری شادکامی در جامعه ایرانی از اعتبار و روایی مناسب برخوردار است. روایی این مقیاس در مطالعات مختلف از جمله علیپور و نوربالا (۱۳۸۷)، برخی تحقیقات این سال را ۱۳۸۵ معرفی کرده اند که اشتباه می باشد. این تحقیق در سال ۱۳۸۷ در مجله اندیشه و رفتار منتشر شده است. تایید شده است، آرجیل و لو (۱۹۹۸) ضریب آلفای ۹۰ درصد را با ۳۴۷ آزمودنی، فارنهایم و برونیک (۱۹۹۹) ضریب آلفای ۸۷ درصد را با ۱۰۱ آزمودنی ونوری (۱۳۸۱) با ۱۸۰ آزمودنی آلفای کرونباخ ۸۴ درصد را به دست آورده اند. در ایران علی پور ونور بالا (۱۳۸۷) با ۱۰۱ آزمودنی آلفای ۹۳ درصد را به دست آورده اند. د- پرسشنامه پرخاشگری: نسخه جدید پرسشنامه پرخاشگری که نسخه قبلی آن تحت عنوان پرسشنامه خصومت بود، توسط باس و پری (۱۹۹۲) مورد بازنگری قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی است که شامل ۲۹ عبارت و چهار زیرمقیاس است که عبارت است از پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

<sup>18</sup> Monica & Kuranchie

<sup>19</sup> Baumrind

## یافته ها

شیوه های فرزند پروری بر رشد اجتماعی تاثیر دارد.

جدول (۱). برازش مدل رگرسیونی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تبیین تصحیح شده	انحراف استاندارد
.863a	.816	.814	13.98138

با توجه به آماره های جدول (۱) می توان چنین عنوان کرد که ضریب همبستگی برابر 0.863 است. مقدار ضریب تعیین 0.816 به دست آمده و این مقدار نشان می دهد که 0.816 درصد تغییرات شیوه های فرزند پروری با رشد اجتماعی مربوط می شود و بقیه به عوامل دیگری بستگی دارد. البته اشکال این روش این است که تعداد درجه آزادی را در نظر نمی گیرد به همین دلیل برای رفع این مشکل معمولاً از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده می شود؛ که آن هم در این آزمون برابر ۰,۳۸۳ می باشد

جدول (۲). تحلیل واریانس رگرسیون

سطح معنی داری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
000b.	108.797	10839.176	1	10839.176	اثر رگرسیونی
		99.628	235	23412.554	باقیمانده
			236	34251.730	کل

نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰,۰۰۰ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰,۰۰۰ (Sig=۰,۰۰۰) دارد.

جدول (۳). مدل رگرسیون

مدل	ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	t	درجه معناداری
	B	Std. Error	Beta		
1 مقدار ثابت	28.157	4.313		6.528	.000
سهل گیرانه	.541	.190	.363	10.431	.000
استبدادی	-.330	.031	-.407	10.814	.000
قاطع	1.525	.126	.621	12.135	.000

طبق نتایج حاصل از جدول (۳)، بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه و رشد اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک سهل گیرانه، ۰,۵۴۱ واحد رشد اجتماعی افزایش می یابد و بین سبک فرزند پروری استبدادی و رشد اجتماعی رابطه معنی دار معکوس وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک فرزند پروری استبدادی، ۰,۳۳۰ واحد رشد اجتماعی کاهش می یابد و بین سبک فرزند پروری قاطع و رشد اجتماعی رابطه معنی دار وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک فرزند پروری قاطع، ۰,۱۵۲۵ واحد رشد اجتماعی افزایش می یابد... آزمون t مربوط به ضریب رگرسیون در جدول نشان می دهد که این ضریب معنی دار بوده (sig=0.000) و در رشد مؤثر است.



شیوه های فرزند پروری بر پرخاشگری تاثیر دارد.

جدول (۴). برازش مدل رگرسیونی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تبیین تصحیح شده	انحراف استاندارد
.945a	.938	.909	13.98138

با توجه به آماره های جدول (۴) می توان چنین عنوان کرد که ضریب همبستگی برابر 0.945 است. مقدار ضریب تعیین 0.938 به دست آمده و این مقدار نشان می دهد که 0.938 درصد تغییرات شیوه های فرزند پروری با پرخاشگری مربوط می شود و بقیه به عوامل دیگری بستگی دارد. البته اشکال این روش این است که تعداد درجه آزادی را در نظر نمی گیرد به همین دلیل برای رفع این مشکل معمولاً از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده می شود؛ که آن هم در این آزمون برابر ۰,۹۰۹ می باشد

جدول (۵). تحلیل واریانس رگرسیون

سطح معنی داری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
.000b	147.262	13195.090	1	13195.090	اثر رگرسیونی
		89.603	235	21056.640	باقیمانده
			236	34251.730	کل

نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰,۰۰۰ بوده و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۹۹٪ (Sig=۰,۰۰۰) دارد.

جدول (۶). مدل رگرسیونی

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	t	درجه معناداری
	B	Std. Error	Beta		
مقدار ثابت	47.683	3.162		15.079	.000
سهل گیرانه	.041	.090	0.089	1.431	0.125
استبدادی	.682	0.152	0.562	14.256	.000
قاطع	-0.352	.108	-.320	9.258	.000

طبق نتایج حاصل از جدول، بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه و پرخاشگری رابطه معنی داری وجود ندارد زیرا درجه معناداری کمتر از ۰,۰۵ است و بین سبک فرزند پروری استبدادی و پرخاشگری رابطه معنی دار وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک فرزند پروری استبدادی، ۰,۶۸۲ واحد پرخاشگری افزایش می یابد و بین سبک فرزند پروری قاطع و پرخاشگری رابطه معنی دار و معکوس وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک فرزند پروری قاطع، ۰,۳۵۲ واحد پرخاشگری کاهش می یابد... آزمون t مربوط به ضریب رگرسیون در جدول نشان می دهد که این ضریب معنی دار بوده (sig=0.000) و در پرخاشگری مؤثر است. شیوه های فرزند پروری بر شادکامی تاثیر دارد.

جدول (۷). برازش مدل رگرسیونی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تبیین تصحیح شده	انحراف استاندارد
800a.	760.	757.	66135۱۲,

با توجه به آماره‌های جدول (۷) می‌توان چنین عنوان کرد که ضریب همبستگی برابر 0.800 است. مقدار ضریب تعیین 0.760 به دست آمده و این مقدار نشان می‌دهد که 0.760 درصد تغییرات شیوه‌های فرزند پروری با شادکامی مربوط می‌شود و بقیه به عوامل دیگری بستگی دارد. البته اشکال این روش این است که تعداد درجه آزادی را در نظر نمی‌گیرد به همین دلیل برای رفع این مشکل معمولاً از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده می‌شود؛ که آن هم در این آزمون برابر 0.757 می‌باشد

#### جدول (۸). تحلیل واریانس رگرسیون

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آماره	سطح معنی‌داری
اثر رگرسیونی	12316.439	1	12316.439	131.950	.000b
باقیمانده	21935.291	235	93.342		
کل	34251.730	236			

نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری محاسبه شده برای این آماره برابر 0.000 بوده و نشان از معنی‌دار بودن رگرسیون در سطح 99٪ (Sig=0.000) دارد.

#### جدول (۹). مدل رگرسیون

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	t	درجه معناداری
	B	Std. Error	Beta		
مقدار ثابت	37.458	3.753		9.980	.000
سهل گیرانه	296.	120.	204.	9.259	.000
استبدادی	-.405	.239	-.389	12.454	.000
قاطع	1.298	.260	.485	15.269	.000

طبق نتایج حاصل از جدول، بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه و شادکامی رابطه معنی‌داری وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک سهل گیرانه، 0.296 واحد شادکامی افزایش می‌یابد و بین سبک فرزند پروری استبدادی و شادکامی رابطه معنی‌دار معکوس وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک فرزند پروری استبدادی، 0.405 واحد شادکامی کاهش می‌یابد و بین سبک فرزند پروری قاطع و شادکامی رابطه معنی‌دار وجود دارد و با ارتقای یک واحد سبک فرزند پروری قاطع، 1.298 واحد شادکامی افزایش می‌یابد... آزمون t مربوط به ضریب رگرسیون در جدول نشان می‌دهد که این ضریب معنی‌دار بوده (sig=0.000) و در شادکامی مؤثر است.

#### نتیجه گیری

بین سبک استبدادی با پرخاشگری رابطه مستقیم و با شادکامی و رشد اجتماعی رابطه معکوس دارد سبک قاطع با رشد اجتماعی و شادکامی رابطه مثبت و با پرخاشگری معکوس دارد و سبک سهل گیرانه با رشد اجتماعی و شادکامی رابطه مثبت دارد. در پایان می‌توان نتیجه گرفت هر یک از روش‌های فرزند پروری بر رشد اجتماعی تاثیر متفاوتی خواهد داشت و براساس نتایج به دست آمده و تاثیری که والدین در ابعاد مختلف رشد فرزندان دارند. آگاه ساختن والدین و ارائه آموزش به خانواده جهت پرورش افراد سالم با رشد اجتماعی بیشتر از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به اینکه رشد اجتماعی انسان از همان روز اوول در فرآغاز می‌شود و زندگی افراد دیگر شروع می‌شود، از همان ابتدا با دیگران ارتباط برقرار می‌کند؛ که این ارتباط تغییراتی در رفتار او به وجود می‌آورد و بدین ترتیب رشد اجتماعی آغاز می‌شود، کودک برای رفع نیازهای خود به کمک و توجه دیگران نیاز دارد. روابط بین کودک و والدین و سایر اعضا خانواده را می‌توان به عنوان مبنای جامعه پذیری نظام‌های اجتماعی بزرگتری چون جامعه شهری یا روستایی و جامعه گسترده تر در نظر داشت. این نظام‌ها به طور مستقیم از طریق روش‌های مختلف در تربیت فرزند تاثیر

می گذارند. باتوجه به نتایج می توان گفت که والدین می توانند با استفاده از روش مقتدرانه و فراهم آوردن امکانات لازم برای ایجاد رشد هوشی سبب بروز رشد اجتماعی در فرزندان خود گردند. از سوی دیگر چگونگی اثرگذاری سبک های فرزند پروری بر پرخاشگری را این گونه استدلال کرد که شیوه های انضباطی والدین اغلب بر حسب تعامل بین دو بعد رفتاری در تغییر است. بعد نخست، به بررسی رابطه عاطفی با کودک می پردازد و حدود آن از رفتاری پاسخده و پذیرا آغاز می شود و به رفتاری بی توجه و طردکننده ختم می شود. بعد دوم، نظارت والدین بر کودک را در بر می گیرد و از رفتاری محدود کننده و مطالبه کننده تا روشی آسانگیر و بی ادعا متغیر است و در آن برای رفتار کودک، محدودیت های مختصری منظور شده است. حال می توان چنین نتیجه گرفت که ترکیب روش سهل گیرانه و عدم نظارت والدین همراه با خشونت و طرد، پیش گویی کننده معتبری برای بروز پرخاشگری در آینده می باشد و درنهایت نتایج نشان داد که شیوه فرزند پروری مقتدرانه و تا حدودی منشا آزاد می تواند در ایجاد حس شادکامی موثر باشند.

## منابع و مراجع

- [۱] ابراهیمی، زهرا؛ پروزی طلب، پریا؛ پشین، پریسا (۱۳۹۲). رابطه ی سبک های فرزندپروری والدین با پرخاشگری دختران نوجوان شهر تهران. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- [۲] برفر، یعقوب و راستگو، فریده و خدیر، علی و اخترفر، خداخواست، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری والدین با پرخاشگری فرزندان آنها در دانش آموزان پسر شهر یاسوج درسال تحصیلی ۹۴-۹۳، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران
- [۳] برک؛ لورا (۱۳۸۷). روانشناسی رشد (از لقا تا کودکی). ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: آرسباران.
- [۴] تحقیقی لیلا. (۱۳۹۵). خشونت و پرخاشگری. پیوند 30.
- [۵] جمالی محمود، پریسا تجلی، شیرین حمزه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ی شیوه های فرزند پروری با شادکامی و خودکارآمدی دانش آموزان سال سوم متوسطه ی شهر تهران. *دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی*
- [۶] خوئینژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا؛ مح براد، نکتتم. (۱۳۸۶). رابطه سبکهای فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. دانش و پژوهش در روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره سی و چهارم، ۹۲-۷
- [۷] رئیس، طاهره. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سبک های دلبستگی و الگو های فرزند پروری در والدین دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهرستان بابل. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری.
- [۸] سلیمانی، م. (۱۳۹۰). آموزش مهارتهای اجتماعی رویکردی نو، رشد، سال ۱۴، شماره ۴، ۳۷-۳۴
- [۹] صافی، احمد؛ صافی، ناصر. (۱۳۹۶). پرخاشگری کودکان و نوجوانان و نقش والدین و مدارس در پیشگیری و کاهش آن، پیوند (۲۳۳)،
- [۱۰] طالبی مرند، شری (۱۳۹۱). بررسی ابطة شیوه های فرزند پروری با مهارت های اجتماعی و خودکارآمدی دانش آموزان دختر دبیرستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهراء.
- [۱۱] فارابی، ابونصر (۱۴۱۳)، «تحصیل السعاده» در «الاعمال الفللسفیه»، تحقیق: جعفر آل یاسین، بیروت، دارالمآهل،
- [۱۲] قصاب پور طاهره، امیدعلی حسین زاده. (۱۳۹۴). بررسی رابطه عوامل فیزیکی و عاطفی - اجتماعی با شادکامی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی. *دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*
- [۱۳] کارازه، شیلا؛ عبدی، منصور؛ حیدری، حسن. (۱۳۹۴). بررسی کارکرد خانواده و نقش سبک های فرزندپروری مادران در پیش بینی مشکلات رفتاری. اندیشه و رفتار، دوره نهم،
- [۱۴] کیانی، عمران و والازادی، عقیل، (۱۳۹۸)، رابطه شیوه های فرزند پروری با رشد اجتماعی کودکان مدارس شهرستان لردگان، کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، تهران
- [۱۵] محمود عموتی، صدیقه کردی. (۱۳۹۴). *بررسی علل پرخاشگری و رواج خشونت و تاثیر آن در افزایش جرائم. دانشگاه آزاد اسلامی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق*
- [۱۶] مرادی مریم، جعفری سیدابراهیم، عابدی محمدرضا (۱۳۸۴). شادمانی و شخصیت: بررسی مروری تازه های علوم شناختی، دوره ۷، شماره ۲ (مسلسل ۲۶)؛ از صفحه ۶۰ تا صفحه ۷۱.
- [۱۷] میرخان ایرج، اعظم رستم پور، شیوا منظومه، افسانه محمدی. (۱۳۹۵). بررسی نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در شادکامی معلمان زن شهرستان ارومیه. *چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*
- [۱۸] میرزمانی سیدمحمود، شهین طاهرزاده. (۱۳۹۶). تاثیر آموزش شیوه های فرزند پروری بر پرخاشگری و خودکارآمدی نوجوانان دختر مقطع متوسطه اول. *ششمین کنگره انجمن روانشناسی ایران*
- [۱۹] نجفی، فاطمه و ملکپور، مختار، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه اختلال رفتاری پرخاشگری با رابطه مادر - کودک شیوه های فرزند پروری، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و مشاوره، اصفهان
- [۲۰] نظیری، سیما (۱۳۹۵)، رشد اجتماعی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- [21] Argyle, M. & Lo, J. (۱۹۹۸). Happiness as a function of personality and social encounters. In J. P. Forgas & R. J. M. Innes (Eds). *Recent advances in social psychology: An international perspective*. (p.p. 189- 203). North Holland: Elsevier.
- [22] Baumrind, D. (1991). The influences of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of early adolescence*, 11, 56- 95.
- [23] borderline and antisocial personality disorder features in nonclinical subjects using measures of impulsivity and aggressiveness. *Psychiatry Research* ۲۰۱۴;125: 161-70
- [24] Duchesne, S. & Ratelle, C. (2010). Parental behaviors and adolescents' achievement goals at the beginning of middle school: Emotional problems as potential mediators. *Journal of Educational Psychology*, 102, 497-507.
- [25] Fossati A, Barratt ES, Carretta I, Leonardi B, Grazioli F, Maffei C. Prediction
- [26] Francis, L. J. Brow, L. B. Lester, D. & Philipchalk, R. (1998). Happiness as stable extraversion: A cross-cultural examination of the reliability and validity of the Oxford Happiness Inventory among students in the U
- [27] Gartstein, M.A. Putnam, S.P. Rothbart, M.K. (2012). Etiology of Preschool Behavior Problems: Contributions of Temperament Attributes in Early Childhood. *Infant Mental Health Journal*, 33(2), 197-211.
- [28] Lamborn, S. Mounts, N. Steinberg, L. & Durenbosch, s. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescent from authoritative, authoritarian indulgent, and neglectful families. *Child development*, 62, 1049- 1065.
- [29] Lyubomirsky Sonja; Sheldon Kennon M And Schkade David. Pursuing Happiness: The Architecture of Sustainable Change, *Review of General Psychology*, 2015, V 9, No 2, 111-131.
- [30] Materazzo F, Cathcart S, Pritchard D. Anger, depression, coping interactions in headache activity and adjustment: a controlled study. *Journal of Psychosomatic Research* ۲۰۱۰; 49: 69-75.
- [31] Mize, J. & Pettit, G. (1997). Mothers. Social coaching, mother- child relationship style and children. s peer competence: Is the medium the message. *Child development*, 68, 312- 332.
- [32] Monica Konnie Mensah & Alfred Kuranchie (2013). Influence of Parenting Styles on the Social Development of Children, *Academic Journal of Interdisciplinary Studies MCSER Publishing, Rome-Italy*. Vol 2 No3 November
- [33] Neslihan Saltalı, Merve İmir. (2018). Parenting Styles as a Predictor of the Preschool Children's Social Behaviours; *Participatory Educational Research (PER)* Vol. 5(2), pp. 18-37
- [34] Pellegrini AD. Perceptions and functions of play and real fighting in early adolescence. *Child Development* ۲۰۱۳; 74:1522-33.
- [35] Rinaldi, C.M. & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266-273
- [36] Shahim, S. Relational aggression in preschool children. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2007;13: 264-271. [In Persian]
- [37] Sukhodolsky DG, Kassinove H, Gorman BS. Cognitive-behavioral therapy for anger in children and adolescents: a meta-analysis. *Aggression and Violent Behavior* ۲۰۱۴; 9: 247-69.
- [38] Taylor Dyches, T. Smith, T.B. Korth, B.B. Roper, S.O. & Mandlco, B. (2012). Positive parenting of children with developmental disabilities: A meta-analysis, *Research in Developmental Disabilities*, 33, 2213-2220.